



مبغوض‌ترین افراد در پیشگاه خداوند؛ جاهل بدعت‌گذار و عالم قلابی

امام علی(ع) درباره کسانی که بدون لیاقت و استحقاق متصدی مقام قضاوت در میان مردم می‌شود، فرمودند: دو نفر در پیشگاه خداوند مبغوض‌ترین مردمند: جاهل بدعت‌گذار و عالم قلابی.

خبرگزاری مهر: امام علی(ع) درباره کسانی که بدون لیاقت و استحقاق متصدی مقام قضاوت در میان مردم می‌شود، فرمودند: دو نفر در پیشگاه خداوند مبغوض‌ترین مردمند: جاهل بدعت‌گذار و عالم قلابی. [#171&از جاهلان، به خدا شکایت می‌برم](#)؛ این جمله از گفتارهای امام علی(ع) است که درباره کسی که بدون لیاقت و استحقاق متصدی مقام قضاوت در میان مردم می‌شود، فرمودند. آن حضرت در این باره می‌فرماید دو نفر در پیشگاه خداوند مبغوض‌ترین مردمند: جاهل بدعت‌گذار و عالم قلابی.

کسی که خداوند او را به خود واگذارده است و از راه راست منحرف گشته، به سخنان ساختگی و دور از حق و حقیقت خویش سخت دل بسته و به سرعت در راه گمراه ساختن مردم گام بر می‌دارد و برای افرادی که فریبش را بخورند فتنه است، وی از طریق هدایت پیشینیان گمراه گشته و گمراه سازنده کسانی است که در زندگی و پس از مرگش تابع او شوند، او بار گناهان کسانی را که گمراه ساخته به دوش می‌کشد و همواره در گرو گناهان خویش نیز هست!

کسی که مجهولاتی به هم بافته و به سرعت با حيله و تزوير در میان مردم نادان پیش می‌رود در تاریکی های فتنه و فساد به تندی قدم برمی‌دارد، منافع صلح و مسالمت را نمی‌بیند، انسان‌نماها، وی را عالم و دانشمند می‌خوانند ولی عالم نیست. از سپیده دم تا به شب همچنان به جمع‌آوری چیزهایی می‌پردازد که کم آن از زیادش بهتر است تا آنجا که خود را از آب‌های گندیده جهل (که نامش را علم می‌گذارد) سیر سازد و به خیال خویش گنجی(از دانش) فراهم ساخته، در صورتی که فائده‌ای در آن یافت نمی‌شود.

او در بین مردم به مسند قضاوت تکیه زده و برعهده گرفته است که آنچه بر دیگران مشتبه شده، روشن سازد،(و حق را به صاحبش برساند) او چنانچه با مشکلی روبرو شود. یک سلسله حرفهای پوچ و تو خالی را پیش خود جمع و جور می‌کند و به نتیجه آن قاطع می‌گردد، در برابر شبهات فراوان همچون تارهای عنکبوت می‌باشد، حتی خودش هم نمی‌داند درست حکم کرده یا به خطا، اگر صحیح گفته باشد می‌ترسد خطا رفته باشد، و اگر اشتباه نموده امید دارد صحیح از آب در آید.

نادانی است که در تاریکیهای جهالت سرگردان است، همچون نابینائی که در ظلمات پر خطر، به راه خود ادامه می‌دهد، علوم و دانشهایی که فرا گرفته برایش قطع آور نیست...همانند بادهای تندی که گیاهان خشک را به هم می‌شکنند، او نیز احادیث و روایات را در هم می‌ریزد، تا به خیال خود از آن نتیجه‌ای به دست آورد.

به خدا سوگند! نه آن قدر مایه علمی دارد که در دعاوی مردم، حق را از باطل جدا سازد و نه برای مقامی که به او تفویض شده، اهلیت دارد، باور نمی‌کند ماورای آنچه انکار کرده دانشی وجود دارد، و غیر از آنچه او فهمیده نظریه دیگری. اگر مطلبی بر او مبهم شد کتمان می‌کند، زیرا او خود به جهالت خویش آگاه است.

خونهایی که از داوری ستمگرانه‌اش ریخته شده صیحه می‌کشند و میراث هایی که بنا - حق به دیگران داده فریاد می‌زنند. شکایت به خدا می‌برم، از گروهی که در جهل و نادانی زندگی می‌کنند و در گمراهی جان می‌دهند(و حیات و مرگشان همه در نادانی و جهل است)

در میان آنها متاعی کسادتر از قرآن نیست، اگر آن را آنچنان که باید تلاوت کنند و متاعی نزد آنان رایج‌تر از آن نتوان یافت اگر آن را تحریف سازند و طبق دل - خواهشان تفسیر کنند و در نظر آنان چیزی زشت‌تر از [#171&معروف](#)؛ و نیکوتر از [#171&منکر](#)؛ وجود ندارد!

مرحوم کلینی در کتاب [#171&اصول کافی](#)؛ و [#171&ابن قتیبه](#)؛ در کتاب [#171&عیون الاخبار](#)؛ این کلام را با اندکی تفاوت نقل کرده‌اند.(ان ابغض الخلائق..) اینکه این افراد مبغوض‌ترین مردم هستند به خاطر آن است که هدف از ارسال پیامبران و فرستادن کتاب های آسمانی تبلیغ آئین حق و توحید، یگانگی خداوند و ایجاد عدالت و دادگستری بین انسانهاست، اما

دسته اول که امام اشاره فرموده، مردم را از توحید و دین حق بیرون می‌برند و آنان را گمراه می‌سازند و دسته دوم به خاطر منافع خویش حقوق افراد را پایمال و سبب ریختن خون بی‌گناهان می‌شوند.

از این دو دسته یکی در راه انحراف عقائد صحیح فعالیت می‌کند و دیگری در اجرای احکام و فروع مذهب، کار خلاف انجام می‌دهد و خود را به جای قاضی و حاکم شرع جا می‌زند، در صورتی که اهلیت این مقام را ندارد.

#171& حمال خطا یا غیره...؛ یعنی #171& بار گناه دگران را بر دوش می‌کشد؛ زیرا گناه افرادی را که گمراه نموده به دوش او گذاشته می‌شود، بدون اینکه از گناهان خودش چیزی کاسته شود، در قرآن آمده است: #171&؛ و لیحلمن ائقآلهم و ائقآلا مع ائقآلهم: بار گناهان دیگران را با بار خود هر دو حمل می‌کنند. (سوره عنکبوت: 13)

#171& لبس فیهم سلعة ابور...؛ اشاره به این است که اگر دستورات و حقایق قرآن به طور صحیح برای مردم آن محیط تشریح گردد، به سوی آن روی نمی‌آورند و چنانچه طبق دلخواه و منافع شخصی آنان تفسیر و توجیه شود آن را می‌پذیرند.